

یادداشت

سبد مالی نفتی



یویا نعمت‌اللهی کارشناس نفت

● توافق هسته‌ای کشور مسلمان تحولات عیدیه‌ای را در حوزه نفت و انرژی پدید می‌آورد که یکی از اساسی‌ترین آنها، همانا حضور کمپانی‌های خارجی و طبعاً «سرمایه‌گذاری‌های آنها» در این صنعت است.

اما این هرگز به‌آن معنا نیست که سایر شیوه‌های تأمین مالی کلاً به فراموشی سپرده شود.در این خصوص لازم به ذکر است که آنچه اصلالت دارد، صرفاً منافع وزارت نفت و کشور است و از این حیث، هر پدیده یا موضوع مرتبط، صرفاً زیر همین پارادایم قابل تعریف و استدلال است.اکنون چند ماهی است که زمزمه‌هایی مطرح شده با این مضمون که مناسب‌ترین شیوه تأمین مالی پروژه‌های نفتی، جمع‌آوری بخشی از نقدینگی چندصد هزار میلیارد تومانی موجود در جامعه برای تأمین مالی طرح‌های بالادستی صنعت نفت و تسریع در اجرای آنهاست. به بیان دیگر، شیوه تأمین مالی «اوراق قرضه» به‌عنوان راهکار ناگزیر وزارت نفت، معرفی شده است!

واقعیت آن است که شرایط پیچیده امروزی، تفاوت‌های زیادی با سال‌های قبل و دولت‌های قبلی دارد و نمی‌توان یک «عامل» را در این بازه طولانی از زمان، دارای تأثیر و عملکرد یکسان تلقی کرد.

مقوله تأمین مالی صنعت نفت را می‌توان در این چارچوب بررسی کرد.

اکنون در مورد روی آوردن به شیوه تأمین مالی در قالب «جمع‌آوری نقدینگی مردم» که از جانب برخی مراجع خبری کراراً توصیه می‌شود، ذکر چند نکته لازم است.

۱- در ساختار دولت، وظایف دستگاه‌ها کاملاً مشخص شده است، به‌این‌ترتیب هر نهاد اجرایی در حیطه وظایف خود، امور سیاست‌گذاری و اجرایی‌ای را به پیش می‌برد. قاعدتاً جمع‌کردن نقدینگی موجود در جامعه، در زمره وظایف وزارت نفت نیست. هرچند برآیند تعامل همه دستگاه‌ها باید در راستای بهبود امور باشد؛ اما این به‌آن معنا نیست که وزارت نفت با هدف تأمین مالی پروژه‌های خود، جمع‌آوری نقدینگی سرگردان را در قالب اوراق قرضه در دستور داشته باشد.

۲ - موقعیت کنونی صنعت نفت ایجاب می‌کند که فرایند تأمین مالی، حداقل از سه ناحیه دارای تأثیر مساعد باشد که عبارت از «محدودیت‌های مقداری»، «هزینه‌های تأمین‌مالی» و بالاخره «عامل ریسک و کاهش وزن آن» هستند.

این یعنی سرمایه‌ها و منابع، به آن دسته از بخش‌هایی هدایت شوند که بیشترین نیاز را دارند.

۳ - به نظر می‌رسد شیوه‌های ناظر بر اوراق قرضه، در واقع آخرین ملجأ وزارت نفت است. نگاهی به ساختار این روش، گواهی بر این ادعاست. این اوراق معمولاً «چندساله» هستند. یعنی دو فرایند «تأمین مالی» و «بازپرداخت آن» الزاماً در یک دولت اتفاق نمی‌افتد. در دوره قبلی شاهد جمع‌آوری وجوه بودیم؛ حال آنکه بازپرداخت آن برعهده دولت کنونی افتاده است. قرار بود این منابع در پروژه‌ها صرف شود و از محل افتتاح یا راه‌اندازی یا منافع پروژه، مبالغ مربوطه به همراه سود آن بازپرداخت شود. اما با وجود جمع‌آوری منابع مالی فوق، عملاً قسمت دوم ماجرا تحقق نیافت بنابراین وزارت نفت دولت جدید با انبوهی از تعهدات مالی روبه‌رو بود. به یاد داریم که وزارت نفت دولت قبل حتی به دنبال افزایش نرخ سود این اوراق هم بود؛ درخواستی تا به آن حد نامربوط که حتی مقامات وزارت اقتصاد هم وقتی بر آن نگذاشتند!

۴ - باید بر این نکته تأکید کرد هیچ شیوه تأمین مالی‌ای وجود ندارد که تماماً واجد منافع و عاری از هرگونه معایب باشد؛ بنابراین باید نسبت به انتخاب مناسب‌ترین شیوه تأمین مالی که حاوی بیشترین منافع و کمترین مضار است؛ اقدام کرد. از سوی دیگر نمی‌توان یک «شیوه» را برای همه انواع قرارداده‌ا در همه حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت استفاده کرد. انواع فعالیت‌ها و حوزه‌های گوناگون صنعت نفت، درجات مختلفی از ریسک و نیاز مالی و انتقال

فاوری دارند.

در این چارچوب، حضور شرکت‌های خارجی و سرمایه‌های خارجی، صرفاً یک «فرصت» است که گزینه‌ای را در کنار گزینه‌های دیگر فراوری وزارت نفت قرار داده است و این وضعیت برخلاف آنچه برخی اصرار دارند، هرگز نمی‌تواند مصداقی از ذوق‌زدگی مقامات نفتی باشد.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، آنچه اصلالت دارد، منافع کشور است. مسلماً اوضاع کنونی صنعت نفت و «فرصت‌های» موجود، دامنی نیستند. ازاین‌رو انتخاب‌های در دسترس، باید بر اساس محاسبات دقیق و مستدل و با در نظرگرفتن چشم‌اندازهای آتی و با هدف دسترسی به مناسب‌ترین گزینه در راستای توسعه مطلوب و همه‌جانبه صنعت نفت کشورمان در دست اقدام قرار گیرد.

اقتصاد

فشار دو گروه بر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی انحصار را افزایش داد

سفره رنگین دولت برای جایگاه‌داران

● در ایران ۳۷۳۵ خودرو به ازای هر جایگاه ● در ترکیه ۸۳۴ خودرو به ازای هر جایگاه

تورم هرساله در همین دوره است. گویای این واقعیت نیز است که دولت فعالان عرضه سوخت را هیچ‌گاه در تنگنای مالی قرار نداده است. از طرفی، آمارها نشان می‌دهد در دوره مورد بررسی، تعداد جایگاه‌ها فقط چهار درصد و جالب‌تر آنکه میزان فروش بنزین (حجم عملیات جایگاه‌داران) تقریباً بدون تغییر مانده است. از سویی رشد سالانه ۲۳ درصدی نرخ کارمزدها به ازای هر لیتر، گواهی دیگری بر حمایت از این صنعت است. شاید به‌سختی بتوان فعالیتی را در کشور یافت که در بحبویه مشکلات اقتصادی با چنین نرخ رشد درآمدی مواجه بوده باشد. نکته‌ای که تحلیلگران صنعت نباید از آن غافل شوند، رویکرد مدیران این بنگاه‌های اقتصادی بعد از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌هاست. در سال ۱۳۸۰ قیمت هر لیتر بنزین صد تومان و نرخ کارمزد به ازای هر لیتر فروش آن ۱۰ تومان بود که نسبت این نرخ به قیمت بنزین ۱۰ درصد بوده است. در سال‌های قبل از هدفمندسازی که قیمت بنزین پایین و نسبت نرخ کارمزد دریافتی به قیمت حدود ۱۰ درصد بود، اعتراضی از سوی اتحادیه مربوطه روی نداد، این‌د صورتی است در همان سال‌ها برخی کشورهای جهان پرداخت به جایگاه‌داران را به‌عنوان درصدی از قیمت سوخت تعیین می‌کردند. اما بعد از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و براساس ماده یک این قانون که تحقق قیمت ۹۰ درصدی قوب برای فرآورده‌های نفتی کشور را هدف قرار داده بود، فعالان جایگاه‌دار را بر آن داشته است با روش‌های مختلف دولت را قانع کنند که نرخ پرداختی به آنها پایین‌تر از استانداردهای جهان است و مبالغ پرداختی پوشش هزینه‌های آنها را نمی‌دهد و به‌نوعی شیوه پرداخت حق‌الععمل کاری را مطرح کردند تا جایی که این شیوه پرداخت از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قانون بودجه ۱۳۹۲ کل کشور کنجاده شد که با تدبیر دولت اجرایی نشد. در این

شیوه که توسط صنف جایگاه‌داران مطرح شده است، دولت باید درصدی از قیمت هر ساله فرآورده‌های نفتی را به‌عنوان حق‌الععمل فعالیت آنها تعیین و در هنگام سوخت‌گیری، علاوه‌بر قیمت سوخت از مردم دریافت می‌کرد. به‌وضوح مشخص است تا زمانی که قیمت‌ها به‌صورت تکلیفی توسط دولت تعیین می‌شود و در حال حاضر نیز شکاف قیمتی چشمگیری بین قیمت تکلیفی فرآورده‌های نفتی در داخل یا قیمت فوب هسان فرآورده‌ها وجود دارد، اتخاذ شیوه حق‌الععمل کاری، زمینه اجحاف در حقوق مصرف‌کنندگان را در پی خواهد داشت. با وجود این، وزارت نفت حمایت‌های متعددی از جایگاه‌داران کشور را انجام داده است. عدم دریافت مبلغ فروش فرآورده (قیمت فرآورده ضریب حجم فروش) به مدت ۴۸ ساعت به‌صورت دائمی، تحویل فرآورده در محل پمپ‌بنزین با هزینه دولت، اعطای وام‌های متعدد، تعیین کارمزد ویژه (حمایت جایگاه‌ها با نرخ کارمزد حداکثری تا سقف معینی از فروش)، اعطای نرخ کارمزد بیشتر برای جایگاه‌های مستقر در کلان‌شهرها، اجرای طرح درجه‌بندی و تسهیل در ارتقای درجه جایگاه‌داران و اعطای نرخ کارمزد بالاتر، واگذاری جایگاه‌های دولتی به بخش خصوصی با شرایط حمایتی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، حفظ بازار تضمینی فروش و... ازجمله سیاست‌های حمایتی از این عرضه‌کنندگان سوخت در جایگاه‌هاست. با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان گفت در شرایط فعلی، حمایت قیمتی از جایگاه‌های عرضه سوخت راهگشای ارتقای کیفیت ارائه خدمات سوخت‌رسانی نیست. سؤال اساسی‌ای که وجود دارد این است چرا با وجود انواع سیاست‌های حمایتی شاهد مشکلات فراوان در جایگاه‌ها هستیم؟ شاید نگاهی به جدول (۲) که به مقایسه تعداد خودرو و جایگاه عرضه بنزین در برخی کشورها و مقایسه با ایران پرداخته است،

مقایسه تعداد خودرو و جایگاه عرضه بنزین در برخی کشورها (جدول ۲)				
نام کشور	تعداد خودرو به ازای هر هزار نفر	تعداد جایگاه (باب)	تعداد خودرو به ازای هر جایگاه	تعداد جمعیت به ازای هر جایگاه
ترکیه	۱۴۲	۱۲۳۵۰	۸۳۴	۵۸۷۵
نیجریه	۳۱	۴۷۰۰	۱۰۹۹	۳۵۴۵۳
چین	۸۳	۹۰۸۲۳	۱۲۲۳	۱۴۷۳۰
آفریقای جنوبی	۱۶۲	۶۵۰۰	۱۲۲۹	۷۵۸۸
ژاپن	۵۸۹	۵۰۰۰۰	۱۵۰۹	۲۵۶۱
آمریکا	۸۱۲	۱۵۹۰۰۶	۱۵۷۷	۱۹۴۲
کانادا	۶۲۰	۱۲۶۸۴	۱۶۵۷	۲۶۷۲
عربستان سعودی	۳۳۶	۳۷۰۷	۲۵۷۲	۲۶۵۵
ایران	۱۴۱	۲۸۲۸	۳۷۳۵	۲۶۵۷۳

بودجه و عملکرد کارمزد، تعداد جایگاه‌ها و نرخ کارمزد و حجم فروش فرآورده‌های نفتی در جایگاه‌ها (جدول ۱)											
شرح	سال واحد	۱۳۸۹		۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		۱۳۹۳	
		بودجه	عملکرد	بودجه	عملکرد	بودجه	عملکرد	بودجه	عملکرد	بودجه	عملکرد
کارمزد جایگاه‌داران	میلیون	۲۰۹۵۰،۰۰۰	۳۰،۲۴۴،۱۶۹	۳۰،۶۵۰،۰۰۰	۴۰،۳۳۵،۳۲۴	۵۵۸۰۰،۶۴	۶۰،۰۰۰،۰۰۰	۸۸۶۱،۰۰۱	۹۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۰،۷۷۸،۷۳۰	۹۰،۳۲۵،۱۱۶
طرح کهاب	ریال	۳۴۰،۰۰۰	۱۲۰،۵۵۵	۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۵۸۸	۳۳۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰	۳۴۰،۰۰۰	—	—	—
تعداد جایگاه	ممتل	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	درجه ۱	۱۰۴	۲۴۸	۲۴۸	۴۷۹	۶۸۵	۶۸۵	۱،۱۳۴	۱،۲۴۱	—	—
	درجه ۱	۴۹۶	۶۱۶	۶۱۶	۶۴۱	۶۵۳	۶۵۳	۵۶۵	۵۶۵	۵۹۳	۵۹۳
	درجه ۲	۲۹۷	۳۹۲	۳۹۲	۳۶۸	۴۴۸	۴۴۸	۳۵۱	۳۵۱	۳۲۶	۳۲۶
	درجه ۳	۶۲۳	۶۳۰	۶۳۰	۵۱۷	۵۱۷	۳۴۹	۱۷۹	۱۷۹	۱۳۸	۱۳۸
	درجه ۴	۲۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۴۷۲	۴۷۲	۴۵۱	۴۵۱
نرخ کارمزد (بنزین)	خارج از طرح	۴۲۲	۵۲۲	۵۲۲	۵۰۳	۵۰۳	۵۰۰	۰	۰	۰	۰
	بدون درجه	۷۳	۳۸	۳۸	۵۵	۵۵	۷۵	۷۴	۷۴	۶۲	۶۲
	جمع کل	۲۳۱۰	۲،۴۴۶	۲،۴۴۶	۲،۵۶۳	۲،۵۶۳	۲،۷۱۰	۲،۷۷۵	۲،۷۷۵	۲،۸۱۱	۲،۸۱۱
	ممتل	۱۴۵	۱۶۰	۱۶۰	۱۹۰	۱۹۰	۲۲۵	۳۰۰	۳۰۰		
	درجه ۱	۱۱۵	۱۲۵	۱۲۵	۱۵۵	۱۵۵	۱۸۵	۲۵۰	۲۵۰		
	درجه ۲	۱۰۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۵۵	۲۱۵	۲۱۵		
نرخ کارمزد (نفت گاز)	درجه ۳	۸۵	۹۵	۹۵	۱۱۰	۱۱۰	۱۳۵	۱۸۰	۱۸۰		
	درجه ۴	۷۰	۷۵	۷۵	۹۵	۹۵	۱۱۵	۱۵۰	۱۵۰		
	خارج از طرح	۶۰	۷۵	۷۵	۹۵	۹۵					
	ممتل	۴۵	۵۲	۵۲	۶۵	۶۵	۸۰	۱۰۰	۱۰۰		
	درجه ۱	۴۰	۶۶	۶۶	۶۰	۶۰	۷۵	۸۵	۸۵		
	درجه ۲	۳۷	۴۲	۴۲	۵۵	۵۵	۶۵	۷۵	۷۵		
مقدار فروش فرآورده	درجه ۳	۳۵	۴۰	۴۰	۵۰	۵۰	۶۰	۷۰	۷۰		
	درجه ۴	۳۰	۳۲	۳۲	۴۵	۴۵	۵۵	۶۵	۶۵		
	خارج از طرح	۲۶	۳۲	۳۲	۴۵	۴۵	...	...	...		
	بنزین	۲۲،۹۶۶۵۱۹	۲۱،۴۷۷۳،۰۰۰	۲۲،۳۶۱،۰۰۰	۲۲،۳۶۱،۰۰۰	۲۲،۳۶۱،۰۰۰	۲۰،۲۹۰،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰
	نفت گاز	۱۸،۱۳۰،۰۰۰	۱۹،۲۰۰،۰۰۰	۱۹،۲۰۰،۰۰۰	۱۹،۳۳۸۳،۰۰۰	۱۹،۳۳۸۳،۰۰۰	۲۰،۲۹۰،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰	۲۰،۵۸۱،۰۰۰
	نفت سفید	۷،۰۰۰،۰۰۰	۷،۱۹۰،۰۰۰	۷،۱۹۰،۰۰۰	۷،۳۱۰،۰۰۰	۷،۳۱۰،۰۰۰	۶،۵۰۰،۰۰۰	۵،۷۰۰،۰۰۰	۵،۷۰۰،۰۰۰	۴،۹۰۰،۰۰۰	۴،۹۰۰،۰۰۰
سایر	سایر	۲۰۰،۰۰۰	۲۱۰،۰۰۰	۲۱۰،۰۰۰	۲۲۵،۰۰۰	۲۲۵،۰۰۰	۲۵۰،۰۰۰	۳۰۰،۰۰۰	۳۰۰،۰۰۰	۳۳۰،۰۰۰	۳۳۰،۰۰۰

مطالبات ۹۲ هزار میلیارد ریالی در دولت گذشته ایجاد شد

سوال انحرافی بذرش از طبینا

میلیاردی را دولت احمدی‌نژاد با طرح‌هایی چون بنگاه‌های زودبازده و تسهیلات تکلیفی که در پی مصوبات استانی تصویب می‌شد، رقم زد. کافی است نماینده تهران به آمار رسمی بانک مرکزی در این زمینه توجه کند. مطالبات معوق زمانی‌که احمدی‌نژاد در شهریور سال ۸۴ زمام امور اجرایی کشور را به دست گرفت، حدود پنج هزار میلیارد تومان بود که با شتاب تندی افزایش یافت. این شتاب به قدری بود که بانک مرکزی در مهر ۸۶ آمار مطالبات معوق را در دو آمار دیگر با هدف اختفا ادغام کرد. روزه‌ای آخر هم که دولت دهم رفتی شد، مطالبات معوق

داد که از سال ۸۷ تا ۹۲ همراه احمدی‌نژاد بود و تا آخر هم کنار او ماند. ابراهیم شیبانی هم از ۸۴ تا ۸۶ کنار دولت بود و با افزایش مطالبات معوق جای خود را به طهماسب مظاهری داد اما هرگز افزایش مطالبات معوق در دوره خود را نپذیرفت. طهماسب مظاهری هم از نیمه ۸۶ تا نیمه ۸۷ دوام آورد و اگرچه در برابر خواسته‌های احمدی‌نژاد سه قفل زد اما به دستور احمدی‌نژاد جای خود را به محمود بهمنی داد. محمود بهمنی که آخرین رئیس کل بانک مرکزی در دولت محمود احمدی‌نژاد است، هم‌اثرین فرد کابینه نهم و دهم محسوب می‌شود که پای تمام خواسته‌های احمدی‌نژاد را امضا کرد، هرچند با افشاگری‌های دولت یازدهم هنوز هم زیر بار امضاهای خود نرفته است.

خبر

اولین قرارداد نفتی ایران – اروپا امضاء شد

● مهر: هم‌زمان با آغاز مذاکرات جدید نفتی ایران و انسی ایتالیا، اولین قرارداد همکاری بین یک شرکت ایرانی و ایتالیایی در صنعت پتروشیمی امضا شد. هم‌زمان با سفر این هیأت اقتصادی و سیاسی به تهران، بنژن زنگنه وزیر نفت ایران و کلودیو دسکالاری رئیس انی به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت نفتی ایتالیا در تهران نشست‌ی برگزار کردند انعقاد قراردادهای جدید نفتی با ایتالیایی‌ها مشروط به لغو کامل تحریم‌ها شده، که یک شرکت معتبر ایتالیایی در صنعت پتروشیمی ایران قرارداد جدید همکاری امضا کرده است. بر این اساس به استناد گزارش شرکت ملی صنایع پتروشیمی هفته گذشته قرارداد همکاری بخش ساختمان و نصب یک طرح پتروشیمی ESBR در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به‌صورت مشترک بین یک شرکت ایرانی و ایتالیایی امضا شده است. گزارش رسمی منتشرشده توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی حاکی از آن است که پس از امضای قرارداد تأمین دانش فنی با شرکت پلمیری (versalis)، شرکت‌های تکنی مونت ایتالیا و یک شرکت ایرانی به‌عنوان پیمانکاران مهندسی اصولی، تقصیلی و تذاکرات این طرح پتروشیمیایی انتخاب و قرارداد همکاری را آنها امضا شده است. شرکت تکنی مونت ایتالیا از جمله شرکت‌های فعال اروپایی در صنایع پتروشیمی و پلمیری ایران قبل از امعال تحریم‌ها بود و این شرکت قرارداد مشابه دیگری در برخی از طرح‌های جدید پتروشیمی ایران امضا کرده یا در شرف انعقاد آن است.

ریعی: بخشی از مسکن مهر باید تخریب شود

● تسنیم: وزیر تعاون با انتقاد از اینکه در طرح مسکن مهر افراد را به اسم تعاونی‌ها سامان دادند در حالی‌که اصلاً کار تعاونی نبوده است، افزود: در بخشی از این موارد تا چند سال آینده ساختمان‌های ایجادشده باید به‌دلیل بنیان ضعیف و مصالح نامناسب تخریب شوندعلی ربیعی در حاشیه افتتاحیه پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت ساختمان با بیان اینکه این نمایشگاه کمک می‌کند تا آخرین دستاوردهای صنعت ساختمان شناخته شود، گفت: نیازمند تقویت ارتباطات بین‌المللی و صنایع در این بخش مهم از اقتصاد هستیم که در سال‌های اخیر رشد خوبی داشته است. وزیر تعاون، کار و رفاه با اشاره به اینکه صادرات افزایش یافته و با برخی کشورهای اروپایی در این حوزه قابلیت رقابت داریم، اظهار داشت: ساخت مسکن توسط بخش تعاون قابل رقابت با تولید سایر بخش‌ها است و ما هم‌اکنون مشکل بین‌المللی‌کردن برخی برندهای ایرانی را داریم. ربیعی با تأکید بر اینکه صنعت ساختمان، برخی صنایع جایی مانند فولاد و سیمان را به تحرک درمی‌آورد، افزود: عرضه و تقاضای مسکن در ایران هنوز جای کار دارد و باید در این زمینه اقدامات مؤثرتری صورت بگیرد. وی درخصوص ساخت مسکن مهر توسط شرکت‌های تعاونی عنوان کرد: به‌دلیل وجود نظارت در ساخت مسکن تعاونی، این بخش درمجموع توانسته تولیدات قابل‌قبولی را ارائه دهد که از نظر مقاومت نیز ساختمان‌ها استحکام بیشتری و از سویی هزینه تمام‌شده کمتری نیز دارند. وزیر کار با اعلام اینکه تعاونی‌ها ۹۰۰ هزار واحد مسکونی ساخته و تحویل دادند، اظهار داشت: همچنین ۴۰۰ هزار واحد دیگر نیز در دست ساخت داریم.

ادامه از صفحه اول

دیپلماسی اقتصادی نیازمند نگاه ظریف

این کشورها با کنار هم قراردادن علم، تخصص و اقتدار ملی در مرحله نخست سعی در ترمیم وجهه جهانی خود در جامعه بین‌الملل از طریق دیپلماسی سیاسی و اقتصادی کرده‌اند و در ادامه گام‌های مستحکمی برای توسعه برداشته‌اند. توسعه و پیشرفت آلمان بعد از جنگ جهانی دوم محال به نظر می‌رسید و کمتر کسی گمان می‌کرد این کشور دوباره، که با کمک‌های دولت آمریکا فقط سعی در بازسازی لطمات جنگی دارد، روزی برندهای صنعتی و تکنولوژی‌اش را قایت‌ر در عرصه اقتصادی و دست بازارهای جهانی بی‌معنا کند و انحصار را در کسب گیرد. کشور ژاپن که امروز حرف‌های زیادی در عرصه اقتصادی و صنعتی برای گفتن در قاره کهن دارد و آوازه سخت‌کوشی مردمانش در جهان پیچیده است، همان کشوری است که فاجعه انسانی هیروشیما را تجربه کرده است، پذیرش و اجرای الگوی اقتصاد بازار، بایدهای این نظام سرمایه‌داری، حمایت از تولید و صنایع اشتغال‌زا، گسترش رفاه اجتماعی، اجرای سیاست‌های تشویقی جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تلاش برای برندسازی، نخه‌پروری و حمایت از تکنولوژی شاید نقطه مشترک و رمز پیشرفت این کشورها باشد ولی نباید از نظر دور داشت که همه این موارد با اجرای دیپلماسی پنهان و آشکار اقتصادی به جهانیان معرفی شد و جزئی‌ترین خلا و اشتباهی در این عرصه می‌توانست توسعه این کشورها را محدود به جغرافیای قاره و حتی مرزهای کشورشان کند.

ادامه در صفحه ۱۷